

روایت تلخ جدایی سرزمین‌های شمال رود اترک از ایران

مرثیه‌ای برای «مرو»

چرا با وجود جانفشانی سربازان ایرانی و کشته شدن بیش از ۳۲ هزار نفر در سال ۱۲۳۹ش شهر مرو از سرزمین مادری جدا شد؟



بقایای شهر باستانی مرو که امروزه در ترکمنستان قرار دار

جواد نوائیان رودسری – «آتش محاره به، شعله‌ور، از تیغ دلبران هنرور، توده اغتر رنگ لاله احمر گرفت ... از طلوع فلق تا ظهور شفق دست به تیغ و تفنگ باز بردند و بساطی مُلُغ از خون دلبران بر سطح زمین گستر دند ...

در آن روز که نمونه محشر بود، محاره به از هر چه تصور کنی صعب‌تر آمد. همه صحرا تن بی‌سو و گردن بی‌حجر گردید.» این توصیف ادبی و سوزناک که محمدجعفر بن محمدعلی خورموجی، مورخ مشهور عصر قاجار در متن کتاب از شمند «حقایق الاخبار ناصری» آورده، گزارشی در دناک از شکست تاریخی لشکریان قاجار در «جنگ مرو» است. جنگی که به اعتقاد بسیاری از مورخان، پایان حاکمیت ایران بر سرزمین‌های شمالی رود اترک را رقم زد و در نهایت، با قرارداد آخال، این مناطق به روسیه تزاری واگذار شد. هر چند که در شکست مرو، کمتر اثری از دخالت مستقیم دو دولت روس و انگلیس به چشم می‌آید، اما نمی‌توان در این که واقعه مذکور بخشی از یک پازل بزرگ برای بلعیدن و تجزیه بخش‌های گسترده‌ای از ایران شرقی بود، تردید روا داشت. قصه غم‌انگیز جدایی مرو از ایران، بخشی از یک تراژدی بزرگ در تاریخ معاصر ایران است؛ تراژدی چند پاره شدن میهن و محدودتر شدن مرزهای ایران بزرگ.

■ **یک شهر اصلتاً ایرانی**

شهر مرو که امروز در ترکمنستان قرار دار دو آن را با نام مستعار و نجسب «ماری» می‌خوانند، روزگاری یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای خراسان بزرگ و از اصلی‌ترین مراکز جمعیتی، اقتصادی و سیاسی شرق ایران به حساب می‌آمد. در متون باستانی ایران، از مرو با عنوان «مَریگِیان» و «مَرگوش» نام‌برده شده‌و در کتیبه بیستون، از آن سخن به میان آمده است. مرو در دوران پس از اسلام، در مرز شهرهای بزرگ و آباد محسوب می‌شد، آن‌گونه که مأمون عباسی این شهر را به عنوان مرکز خلافت خود برگزید. مرو در دوره سلجوقی، مدتی پایتخت ایران بود و در هجوم مغولان به شدت آسیب دیدو در روزگار صفویه، مجدد به عنوان شهری آباد در ایران، به یکی از مراکز قدرت اقتصادی و نظامی در شمال شرقی کشور تبدیل شد. مرو در تمام ادوار تاریخ چند هزار ساله خود، همیشه بخشی از خاک ایران بوده است. با آغاز سلطنت دودمان قاجار، مرو نیز، همچون دیگر نقاط

تفاوت‌دکترین دیپلماسی هخامنشی با اشکانی

هنگامی که اشکانیان به قدرت رسیدند، دولت جدیدی را ایجاد کردند که باحکومت هخامنشیان تفاوت داشت. به گزارش خبرگزاری ایبنا، به نظر می‌رسد که پارت‌ها، از یک‌سوز تجربه گذشته سکایی خود که آن‌را در دشت‌های آسیای میانه به دست آورده بودند، جدا نشدند و آن‌سوی دیگر، مظاهر تمدن و فرهنگ یونانی، آنان را جذب کرد. از این‌رو، به نظر می‌رسد که آنان هیچ رابطه‌ای با سابقه و تجربه دولت هخامنشی برقرار نکردند. اگر بخواهیم تفاوتی را بین پارتیان و هخامنشیان بجویم، باید به دیدگاه‌و تاثیر آنان به جهان هم‌عصر خودشان توجه کنیم. هخامنشیان، بیشتر جهانی می‌اندیشیدند و در



مجازاً اما قدرتمند ماندن، بود. تفاوت دیگری که در شرایط و ویژگی‌های پارت‌ها و هخامنشیان به چشم می‌خورد، مسئله بسیار مهم جاده ابریشم بود. هخامنشیان هرگز نتوانستند تجارت آسیا را با اروپا مرتبط کنند. شرایط سیاسی و دیگری‌های آنان با یونانی‌ها، این نتیجه را در پی داشت که راه ارتباط بین شرق و غرب، مسدود شد. پارس‌ها می‌توانستند تا سواحل دریای اژه و دریای سیاه تردد کنند، اما از ارتباطات تجاری و روابط فرهنگی آن‌ها با اقوام آن‌سوی مرزها، خبری در دست نیست.

«سه سفرنامه» و به عنوان شرحی بر گزارش «سیدمحمد لشکر نویسن نوری» درباره جنگ مرو— که دست بر فضایی از بهترین گزارش‌ها درباره این نبرد فاجعه‌بار است — می‌نویسد: «چون حشمت‌الدوله به حکومت خراسان رسید معلوم نیست به چه علت به فکر لشکرکشی افتاد و با وجود این که سران ترکمن با شرایطی که چندان دشوار نبود حاضر به قبول اطاعت بودند، نگذاشت کار به مسالمت خاتمه یابد و این ننگ را به بار آورد.»

■ **خدا حافظی با مرو...**

سپاهی که برای سرکوب ترکمانان فرستادند، یک سپاه ۴۰ هزار نفره و از هر نوع تجهیزات برخوردار بود. با این حال، این لشکر آراسته از ضعف فرماندهی رنج می‌برد به طوری که برای انتقال قشون، پیش‌بینی‌های لازم را انجام نداده و لشکر را در میانه راه با بی‌آبی جانکاه روبه‌رو کردند. شرح این شکست را، قدرت‌آرا... روشنی زعفرانلو ساده و به اختصار چنین نقل کرده است: «در حقیقت نیرویی که به جنگ ترکمانان رفته بود، همه چیز داشت جز انضباط و فرمانده‌آن‌ها حشمت‌الدوله همه چیز داشت، جز قدرت فرماندهی و وزیر او (قوام‌الدوله) همه چیز داشت، جز تدبیر ... غرور بی‌جا و راضی نشدن به صلح، بی‌انضباطی بسیار، ضعف فرماندهی و خبط و خطاهای مکرر، فراهم نساختن مقدمات لازم، نداشتن اطلاعات دقیق از کار و بار ترکمانان، فراهم نکردن و حتی تلف کردن آذوقه، سستی در مدافعه و تعقیب ترکمان‌ها، بی‌توجهی به سربازانی که در حال جنگ بودند و تبعیض در کارها، کار این لشکرکشی را به‌ر سوایی کشید. بی‌فکری به درجه‌ای بود که حتی مهمات موجود هم مورد استفاده قرار نگرفت و ترس سرکردگان به حدی بود که می‌گفتند اگر گردن ما را بنزید هم وارد میدان نمی‌شویم. با این وضع سربازان نیز روحیه خود را از دست داده و خود را باخته بودند. خودداری قوام‌الدوله از فرستادن کمک مزید بر علت شد و طایفه ترکمن سارق هم که به اطاعت درآمده بود، چون کار سپاه ایران را در کارزار، زار دید، به دشمنان ملحق شد.» این شکست مفتضحانه، در پی شکست از نیروهای انگلیسی در جنوب‌نیز، جدایی‌هرات از ایران، کارزار مرزهای شرقی ایران خراب‌تر از قبل کرد و پنهان‌ای به دست روسیه تزاری و انگلیس داد که اقدامات خود را در این منطقه توجیه کنند. ناصرالدین‌شاه که به دنبال مقصر می‌گشت، همه تقصیرها را به گردن قوام‌الدوله — پدر بزرگ قوام‌السلطنه معروف — انداخت و حتی دستور داد که شکم وی را با خنجر پاره کنند، اما وقتی وساطت و به‌ویژه رشوه کلان از راه رسید، بی‌خیال مجازات خاطی شد! تلفات ایران در جنگ مرو و حشتناک بود؛ از ۴۰ هزار سپاهی، تنها هشت هزار نفر به مشهد بازگشتند. این کابوس دهشتناک، آخرین عملیات نظامی ایران در شمال رودخانه اترک بود. پس از آن تنها عملیات‌های کوچک و محدود برای عقب راندن دسته‌های کوچک ترکمانان که به قصد غارت به شمال خراسان نفوذ می‌کردند، صورت می‌گرفت. دوده‌ه بعد، در سال ۱۲۶۰ خورشیدی، محمدامین‌خان، به که بعد از شکست مرو، در خود توان مهار طغیان‌های پاپی ترکمانان و غارتگری آن‌ها را در صفحات شمال خراسان نمی‌دید، بر اساس پیمان «آخال» از ادعای ایران بر سرزمین‌های شمال اترک چشم‌پوشیدو به اشغالگری روسیه تزاری که تا آن زمان بخش عمده این اراضی را تحت اختیار گرفته بود، رسمیت بخشید. به این ترتیب، مرو برای همیشه از سرزمین مادری جدا شد.

مشروع خواهان به دنبال چه بودند؟



اگرچه مشروع‌خواهی با نام شهید شیخ فضل‌ا... نوری گره خورده، اما واقعیت این است که ایده مخالف بودن مشروطیت با برخی موازین شرعی، تنها به رساله «حرمت مشروطه» شیخ فضل‌ا... محدود نمی‌شود. علمایی که در نزاع با مشروطه طلبان از شهر و دیار خود رانده شدند، انگیزه‌های زیادی برای مخالفت با مشروطیت داشتند؛ سید ابوطالب زنجانی، محمدحسین تبریزی، علی لاهیجی و نجفی مرندی از جمله رساله‌نویسانی بودند که با تالیف نوشته‌هایی علیه مشروطیت، مخالفت خود را با ظهور نهاد های گرت‌برداری شده از غرب در ایران، آشکار کردند. با این حال، این رساله‌ها تنها جنبه انتقادی نداشت و از موضع ایجابی نیز، به ارائه و توضیح نظام سیاسی مطلوب خود، یعنی نظام مشروطه، مبادرت می‌ورزید. بر اساس تلقی مشروع‌خواهان از نظام سیاسی مشروطه، در این نظام، نمی‌توان تقویت دولت و قوای نظامی و در نتیجه حفظ کبان اسلام و مسلمین را انتظار داشت؛ چرا که تفکیک قوا، تقسیم وظایف میان ارکان گوناگون و سرشکن کردن قدرت در میان گروه‌های مختلف، تنها باعث ضعف و زوال دولت اسلامی می‌شودو زمینه را برای سيطرة کفار فراهم می‌کند. نویسنده «تذکره الغافل» در این باره می‌نویسد: بر همه واضح است که تعرض به امور دینی و اعتقادی، مقدمات اضمحلال دولت اسلامی و برخلاف مقتضای حکومت اسلامی است. شیخ فضل‌ا... نوری، اصطلاح «مشروع» را به معنای مطابقت با شریعت به کار می‌برد و منظورش، نظامی حقوقی بود که در نهایت بروحی و اراده الهی مبتنی باشد. در نظام آلت‌رانیوی که مشروع‌خواهان پیشنهاد می‌کردند، حاکمیت در امور سیاسی و اجتماعی به دو حوزه مشرعیات و عرفیات تقسیم می‌شد. حوزه نخست را فقها بر عهده داشتند و شامل اموری همچون افتا، اقامه نماز جمعه، قضاوت، جمع‌آوری وجوه شرعی، اداره موقوفات و سرپرستی محجوران بود. حوزه عرفیات نیز بر اموری مانند

راه‌ طی شده حزب زحمتکشان ملت ایران



حزب زحمتکشان ملت ایران که طبق اساسنامه‌اش گرایش سوسیالیستی داشت، ترکیب عجیبی از بازاریان خرده‌بای بازار قدیمی تهران، روشنفکران سوسیالیست دانشگاه تهران و حتی اراذل و اوباش بود. در اردیبهشت ۱۳۳۰، طی ائتلاف «سازمان نگهبان آزادی» به رهبری مظفر بقائی کرمانی و «نیروی سوم» به رهبری خلیل ملکی، که در سال ۱۳۲۶، به دلیل وابستگی حزب توده به شوروی، از این حزب جدا شده بود، تشکیل شد. برای حداکثر اثر گذاری، حزب به یارگیری از تمام قشرها دست زد. حزب زحمتکشان ملت ایران طبق اساسنامه‌اش، به‌ظاهر گرایش سوسیالیستی داشت، ولی در عمل با اهداف اصلی مبارزه با کمونیسم و مخالفت با حزب توده و نظریات پوپولیستی سوسیالیستی، برای جلب نظر رژیم پهلوی و افکار عمومی به‌وجود آمده بود. در ادامه راه، پس از کشمکش‌ها و خواسته‌های منفعت طلبانه حزب و در پی مخالفت‌های مصدق‌با آن، در سال ۱۳۳۱، دودیدگاه در حزب زحمتکشان پدید آمد: دیدگاه بقائی که دوران همکاری با مصدق را پایان یافته می‌دید و دیدگاه خلیل ملکی که به تدوام همکاری با مصدق تمایل داشت. از ۲۶ تیر ۱۳۳۱، مواضع بقائی در این زمینه علنی‌تر شد. با استعفاى مصدق و ملاقات



بقائی با احمد قوام، در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱، خلیل ملکی و همراهانش خواستار توضیح درباره این ملاقات شدند، اما بقائی با این استدلال که حاضر نیست تا این درجه به نظم حزبی و سازمانی تن دهد، از دادن هرگونه توضیحی خودداری کرد. در پی آن، هواداران بقائی در عصر ۲۲ مهر ۱۳۳۱ در دفتر حزب حاضر شدند و طرفداران ملکی را پس از ضرب و شتم، بیرون راندند و بقائی را از منزل به مرکز حزب آوردند. با سقوط دولت مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ترسیدن بقائی به نخست‌وزیری و عده‌ورود اعضای حزب به کابینه، این بار مخالفت پرسروصدای حزب متوجه دولت فضل‌ا... زاهدی شد. نتیجه این اقدام، تعطیلی روزنامه حزب و تبعید سران آن به زاهدان بود، اما بعدها، رهبران آن، ارتباط تنگاتنگی را با سفارت آمریکا برقرار کردندو عملاً راهی غیر از آن چه مدعی آن بودند، پیمودند.

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در قرآیند ارجاع کار (ریال)	صلاحیت و پایه پیمانکاران	شماره فراخوان سامانه ستاد
اجرای آسفالت در معابر اصلی و فرعی و محوطه های مسکن مهر در فاز ۱ و ۲ شهر جد يد گلپهيار	۳۴۶/۹۳۷/۳۴۸/۵۶۱ ریال	۱۵/۶۳۸/۸۰۰/۰۰۰ ریال	حداقل پایه ۵ رشته راه و پانداز سازمان مدیریت و گواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاری صادره از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی	۲۰۰۲۰۰۱۲۷۶۰۰۰۳۰
<p>– مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی از تاریخ انتشار آگهی لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۳۰</p> <p>– آخرین مهلت تکمیل و ارسال اسناد ارزیابی: پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵</p> <p>تاریخ بازگشایی پاکتهای الف و ب: ساعت ۰۹:۰۰ مورخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸</p> <p>تاریخ بازگشایی پاکتهای پیشنهادی قیمت(ج): ساعت ۱۳:۰۰ مورخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸</p> <p>روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید گلپهار</p>				